

بسیاری از پیامک‌های ارسال شده به سامانه ۱۶۲ روابط عمومی صداوسیما طی یک هفته گذشته، نشانه توجه و اقبال مخاطبان رسانه ملی به برنامه‌های مستندی چون دالامپر و بیابوم بود. مستند دالامپر به زندگی و دشواری‌های خدمت‌مرزبانان ایرانی در منطقه مرزی ایران و ترکیه می‌پردازد و بخشی ازسختی‌هاو چالش‌های آنان را در حفاظت از مرزهای کشور، به تصویر می‌کشد. همچنین مستند بیابوم که از شبکه

توجه مخاطبان ۱۶۲ به برنامه‌های مستند

آی‌فیلم‌روی آنتن رسانه ملی می‌رود باسفر به جای‌جای‌ کشور ایران، ضمن معرفی اماکن دیدنی به سوغات، صنایع‌دستی و بازی‌های بومی و محلی هر منطقه اشاره می‌کند و با مردم شهر و روستا به گفت‌وگومی‌نشیند. مخاطبان رسانه ملی همچنین مانند هفته‌های گذشته برنامه‌های گفت‌وگو محور و تحلیلی مانند به وقت ایران و پاورقی را پسندیدند و با ارسال پیام‌هایی از بخش چنین برنامه‌هایی تشکر کردند. برنامه‌هایی چون



«آسباد»

فرا تر از قاب‌های آشنا

دو بازیگر مجموعه شبکه یک سیما از زیست در اقلیم و بازنمایی چهره واقعی استان سیستان و بلوچستان می‌گویند

زوایا و تدوین هستند که ساختار نهایی را شکل داده و کنش‌ها را نمایش می‌دهند. وی در ادامه با تاکید بر آن که مخاطب همچنان این جنس آثار را دنبال می‌کند، ابراز امیدواری می‌کند ساخت چنین سریال‌هایی در تلویزیون ادامه پیدا کند.

«گروه ارواح» در فضای مجازی

حسام خلیل‌نژاد، دیگر بازیگر مجموعه آسباد است که پیش‌ازین در آثاری همچون «۲۴، قول مردونه و بیست‌کووید خوش درخشیده بود و حالا در قامت کاراکتر محمد جواد حضور دارد. خودش درباره مجموعه آسباد به «جام‌جم» می‌گوید: یکی از بهترین تجربیات من حضور در سریال آسباد بود در استانی بسیار شریف و دوست‌داشتنی با مردمی قانع، صبور و پر از توانایی. من از تک‌تک ثانیه‌هایی که در این استان زیست کردم، چه در زابل و راهدان و چه در روستاها، از ثانیه‌به‌ثانیه هم نفس‌شدن با مردم شریف این استان لذت بردم و دوست‌شان داشتم و یکی از بهترین خاطرات هنری خود را در

این استان رقم زدم. او درباره شخصیتی که بازی کرده، توضیح می‌دهد: کاراکتر محمد جواد یک نخبه بومی و عاشق‌پیشه است که بین ماندن و رفتن گیر کرده و قاعدتا در ادامه داستان می‌بینیم کدام مسیر را انتخاب می‌کند. در مورد شکل‌گیری این شخصیت، هم ویژگی‌هایی را در متن می‌شد پیدا کرد هم ویژگی‌هایی را از آدم‌هایی که در آن استان دیدم. از نخبه‌هایی که آنجا بودند و زندگی‌نامه‌های‌شان را خواندم وام گرفتم. در مجموع به شخصیتی رسیدم که امیدوارم موردقبول واقع شده باشد؛ شخصیتی ساده، باهوش، عاشق‌پیشه و درعین‌حال جسور، پرتلاش و وطن‌دوست. وی می‌افزاید: بالاخره بازی در نقش محمد جواد به یک بازی رئالیستی نیاز داشت: یک بازی کاملاً طبیعی و در متن زندگی روتین‌ا اما بازی کردن نقش

یک روح، به‌سبب فضای فانتزی‌ای که به آدم می‌دهد، گرم و طراحی لباس و این‌که کلا کاراکتر روح‌ها تیپیکال هستند، متفاوت بودند. من با یک صداسازی نسبتاً نرم که اغراق شده نباشد و با همان گرم و مدل بازی سعی کردم این تفاوت را بین پدر محمد جواد و محمد جواد ایجاد کنم و امیدوارم موفق بوده باشم. این بازیگر ادامه می‌دهد: کاراکتر محمد جواد را



عصر خانواده، بی‌حاشیه و برنامه طنز با عرض معذرت نیز در پیامک‌های ارسالی پرتکرار بودند. بسیاری از پیامک‌ها

نیز درخصوص نارضایتی از وضعیت معیشتی، نا کافی بودن کالا برگ و گرانی‌های روزافزون است. مخاطبان رسانه ملی با ارسال چنین پیام‌هایی ضمن اعلام نظرات خود، از صداوسیما می‌خواهند بیش از پیش در این موارد به تهیه و پخش گزارش بپردازد.

نسبت به نقش‌های قبلی‌ا واقعاً متفاوت می‌دانم. نقش‌های قبلی‌ا این‌گونه نبودند که مثل محمد جواد باشند چراکه این شخصیت تقریباً چندوجهی است. در اوج سادگی، باهوش بودن و عاشق‌پیشه بودنش، در جایی بسیار جسور حرفش را می‌زند و حتی مسیر داستان را عوض می‌کند. از این منظر، برای من یک تجربه دلنشین و یک کاراکتر چندوجهی بود. خلیل‌نژاد از همکاری با بازیگران بومی خاطره شیرینی دارد و توضیح می‌دهد: تجربه کار با بازیگران بومی بسیار لذت‌بخش بود چراکه این منطقه بازیگران واقعاً کاربلدی دارد؛ از استاد خداداد بیگی، استاد سلمان نژاد تا حمید سلیمانی، مرتضی مودی، خاتم ساغر کیخا و مهدی صدیقی. همه آنها آنقدر خوب بودند که شما هیچ تفاوتی بین مدل بازی بازیگران قدیمی‌تر و حرفه‌ای‌تر با بازیگرانی که چهره‌های جدید بودند یا تازه این مسیر را جدی‌تر دنبال می‌کردند نمی‌دیدید. حتی گاهی بچه‌های بومی به خاطر اشراف روی لهجه، خیلی روان‌تر و درست‌تر بازی می‌کردند و کارشان عالی بود. او ادامه می‌دهد: مهم‌تر از همه این‌که ما ارتباط خیلی خوبی با هم داریم. معمولاً بعد از پایان کار در سینما و تلویزیون آنقدر هاپیش نمی‌آید که آدم‌ها ارتباطشان را حفظ کنند ولی ما گروهی به نام «گروه ارواح» در فضای مجازی داریم. آنجا هر روز حال هم را می‌پرسیم و با هم گپ می‌زنیم. این نشان می‌دهد ارتباط خیلی خوبی بین بازیگران و عوامل بوده و هر چه پشت‌صحنه درست‌تر باشد، آن انرژی جلوی دوربین هم خودش را نشان می‌دهد. این تجربه بسیار خوبی در کنار بازیگران بومی بود که همه‌شان پتانسیل فوق‌العاده‌ای دارند. وی همچنین می‌گوید: محمد جواد کاراکتر یک نخبه استانی است که از خارج از کشور پیشنهاد دارد و برای ماندن یا رفتن دچار چالش است که در نهایت بهترین تصمیم را می‌گیرد. او در برخی مواقع خجالتی است ولی به جایش بسیار جسور می‌شود و دنبال حق است. به نظر من اگر در استان سیستان و بلوچستان زندگی کنید و حداقل زیست را داشته باشید، متوجه می‌شوید اکثر مردم این استان همین‌گونه‌اند؛ مردمان باهوش، باشرفات، در اوج صبوری و بسیار تلاشگر برای حق خودشان. افتخار می‌کنم که در کنار این عزیزان بودم و امیدوارم توانسته باشم تصویر درستی از نماد یک جوان موفق سیستان و بلوچستانی که در اوج موفقیت با سادگی و صداقت مسیرش را طی می‌کند ارائه دهم.

بررسی هم‌زمان دیدگاه‌های سیامک صفری و حسام خلیل‌نژاد نشان می‌دهد هر دو بازیگر، باورپذیری و موفقیت آسباد را م‌رهون زیست ملموس در اقلیم، پرهیز از نگاه توریستی و شکستن کلیشه‌های رایج نامنی از سیستان و بلوچستان می‌دانند. درحالی‌که صفری از منظر یک بازیگر با سابقه با تکیه بر تحلیل مدیوم تصویر و درک رفتار آرام و مهربان مردم بومی در کوچه‌و خیابان توانسته کاراکتر شیردل را به پذیرش اهالی منطقه برساند، خلیل‌نژاد با تمرکز بر اجرای دو نقش رئال و فانتزی و الهام‌گیری از نخبگان واقعی استان، تصویری پویا از جوان باهوش، شریف و وطن‌دوست این خطه ارائه داده است. برآیند نگاه هر دو هنرمند اثبات می‌کند که هم‌افزایی صمیمانه بازیگران چهره با استعداد های توانمند بومی و تسلط بر لهجه و مناسبات بومی، پشت‌صحنه‌ای همدلانه آفریده که کیفیت و انرژی آن مستقیماً به قاب تصویر منتقل شده و توانسته با کنار زدن روایت‌های تحریف‌شده، هویتی واقعی، محترم و چندبعدی‌از این جغرافیا را پیش چشم مخاطب به‌ثبت برساند.

خلیل‌نژاد، به‌نظرم اگر در سیستان و بلوچستان زندگی کنید و حداقل زیست را داشته باشید، متوجه می‌شوید اکثر مردم این استان همین‌گونه‌اند؛ مردمان باهوش، باشرفات، در اوج صبوری و بسیار تلاشگر برای حق خودشان

صفری: در آسباد با انسان‌هایی رویه‌رو هستیم که دیارشان را دوست دارند و برای حل مسائل آن تلاش می‌کنند زیر مردم آن خطه نیز مثل پایتخت‌نشینان خواستار زندگی خوب و رفاه هستند و این مجموعه چنین تصویری را نشان می‌دهد

روایت برای مخاطب جذابیت ذاتی دارند. زیرا تماشاگر با ذهن خود وارد موقعیت‌ها شده و با کشف معما همراه می‌شود. این بازیگر درباره تفاوت بازی در تئاتر و کار مقابل دوربین می‌گوید: بازی روی صحنه با مدیوم تصویر تفاوت ساختاری دارد. بازیگر روی صحنه تمام توان و حضور خود را به‌نمایش می‌گذارد و کنترل کامل کار دست خودش است اما در تصویر، قاب‌بندی،

نقش «شیردل» و حسام خلیل‌نژاد در دو نقش «محمد جواد» و «روح پدر»، از بازیگران اصلی این مجموعه هستند.

تصویر واقعی سیستان و بلوچستان

سیامک صفری که مویی در تئاتر سپید کرده، از تجربه حضور در سریال آسباد و چالش‌های بازی در یک فضای بومی می‌گوید: جایی که هر جغرافیا، لباس، رفتار و گویش خاص خود را دارد. مجموع این عوامل باعث می‌شود کاراکتر برای مخاطب باورپذیر شود. او تطبیق ظاهر، رفتار و لهجه با اقلیم را چالش همیشگی بازیگر می‌داند. صفری توضیح می‌دهد که در زمان ضبط، شخصاً از طریق بچه‌های بومی منطقه پیگیر باخورد‌ها بوده است. او با کنجکاوی متوجه شد که مردم محلی زابل و راهدان کاراکتر شیردل را کاملاً

پذیرفته‌اند به‌گونه‌ای که رفتار آرام او را باور کرده و فکر می‌کردند از اهالی خود زایل است، بدون این‌که نکته یا نقدی منفی درباره لهجه یا تهرانی‌بودنش داشته باشند. صفری درباره درک دقیق این نقش می‌گوید که از آغاز ورود به منطقه، معاشرت با مردم و حضور در شلوغی کوچه‌ها، خیابان‌ها و چهارراه‌های راهدان از سرگرمی‌هایش بوده است. همین تماشای مداوم رفتار، کلام و

اسفند توسلی گروه رسانه

گفت‌وگوی اینترنتی مطرح‌شود یا گمانه‌زنی در فضای مجازی دست‌به‌دست بچرخد تا موحی از قضاوت‌ها شکل بگیرد؛ موحی که گاهی پیش از روشن شدن واقعیت، به بستری برای حمله به رسانه ملی تبدیل می‌شود. ماجرای ادعای خروج زینب ابوطالبی از کشور و انتشار گمانه‌زنی‌های سست درباره تذکر رهبر انقلاب به رئیس سازمان صداوسیما، دو نمونه از فضایی است که در آن، مرز میان خبر، برداشت شخصی و روایت تایید‌نشده به‌سادگی نادیده گرفته می‌شود.

در روزهایی که جامعه بیش از هر زمان دیگری به همدلی، اعتماد و انسجام نیاز دارد، پیرشن مهم این است که چرا برخی اظهارنظرها و گمانه‌زنی‌ها به جای روشن کردن مسائل، به حاشیه‌هایی تازه دامن می‌زنند؟ چرا گاهی پیش از بررسی صحت یک ادعا، رسانه ملی در جایگاه متهم قرار می‌گیرد و پیش از آن‌که واقعیت روشن شود، درباره عملکرد مدیران و مجموعه‌ای که مسئولیت سنگین اطلاع‌رسانی عمومی را برعهده دارد حکم صادر می‌شود؟

صداوسیما نهادی عمومی و اثرگذار است و طبیعتاً عملکردش می‌تواند محل نقد و بررسی باشد اما میان نقد مستند و تخریب مبتنی بر ادعاهای اثبات‌نشده فاصله‌ای جدی وجود دارد. دفاع از رسانه ملی نیز دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از ضرورت رعایت انصاف، پرهیز از قضاوت شتاب‌زده و توجه به مسئولیت‌کسانی‌که با یک جمله می‌توانند فضای افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند.

خبربین

مدیر امور ایثارگران رسانه ملی به سیستان و بلوچستان رفت

دکتر احمد علی رضانی مدیر امور ایثارگران رسانه ملی به همراه جمعی از مسئولان و کارشناسان ارشد این حوزه به زاهدان سفر کرد. این سفر که نخستین مقصد از سلسله بازدیدهای استانی مدیر امور ایثارگران به‌شمار می‌رود، با هدف دیدار مستقیم با خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران صداوسیما ی مرکز سیستان و بلوچستان، استماع بی‌واسطه دغدغه‌ها و پیشنهادها و پیگیری میدانی مطالبات آنان انجام شده است. ادای احترام به مقام شامخ شهدا در گلزار شهدای زاهدان، دیدار و گفت‌وگو با مدیرکل مرکز، برگزاری نشست صمیمی و تعاملی با ایثارگران و حضور در منزل خانواده‌های شهدا و جانبازان، از مهم‌ترین برنامه‌های این سفر است. در نشست‌های تعاملی پیش‌بینی‌شده، مسائل و نیازهای همکاران ایثارگر به‌صورت چهره‌به‌چهره مطرح و راهکارهای رسیدگی به آنها بررسی می‌شود؛ روشکدی که در راستای سیاست تکريم ایثارگران، تقویت سرمایه انسانی و ارتقای پاسخگویی در رسانه ملی دنبال می‌شود.

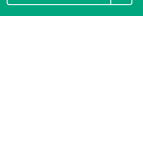
دریچه

روایتی از ناب‌آوری فنی آنتن در حملات اخیر

ایستگاه‌های پر قدرت کشور نقش بسیار مهمی در تأمین پوشش پایدار تلویزیون دیجیتال و رادیو افام کشور برعهده دارند و حلقه اتصال سازمان با نزدیک به ۸۰ درصد از مردم کشور عزیزمان به شمار می‌آیند. همین توصیف به‌تنهایی نقش مهم کارکرد صحیح و بدون وقفه این ایستگاه‌ها را نشان می‌دهد.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در همین راستا مهندس امیر دم‌شناس، مدیر فرستنده‌های پر قدرت تلویزیونی و رادیویی افام در معاونت توسعه و فناوری رسانه گفت: در شرح وظایف این امور به حفظ پایداری، ارتقای امنیت، نگهداری پیشگیرانه، تعمیرات اساسی، کارشناسی، بازدید و نظارت بر انجام سروس‌های ادواری، تأمین قطعات یدکی مورد نیاز، ارتقای دانش و سطح فنی کارکنان ایستگاه‌ها، استفاده از تخصص شرکت‌های دانش‌بنیان و نظارت بر تعمیرات لابراتواری تجهیزات مرتبط با ایستگاه‌های پر قدرت تلویزیونی و رادیویی افام تأکید شده است. به‌عنوان چشم‌انداز آتی نیز، حفظ پایداری پوشش کشور، تربیت نیروی انسانی متخصص، افزایش تاب‌آوری شبکه، جلوگیری از استهلاک تجهیزات و کاهش هزینه‌های آتی در دستورکار قرار داشته و هم‌اکنون نیز در حال پیگیری است. وی درخصوص این‌که ایستگاه‌های پر قدرت دقیقاً چه سهمی از پوشش جمعیتی و جغرافیایی کشور را زیر چتر سیگنال دارند، بیان کرد: ایستگاه‌های پر قدرت تلویزیونی و رادیویی افام کشور وظیفه تأمین پوشش و یخش سیگنال‌های تلویزیون دیجیتال و رادیویی افام مراکز استان‌ها، شهرهای بزرگ، مجموعه چندین شهرستان و بعضاً برخی مناطق برون مرزی را برعهده دارند و توان فرستنده‌ها در پخش تلویزیون دیجیتال از یک کیلووات تا ۶ کیلووات و برای فرستنده‌های افام از یک کیلووات تا ۲۰ کیلووات بسته به جمعیت تحت پوشش، وسعت جغرافیایی منطقه پوششی یا میزان آلودگی‌های صنعتی متغیر است. با این تعریف، حدود ۷۰ ایستگاه پر قدرت در کشور، با ظرفیت پخش حداکثر پنج بسته‌تلویزیون دیجیتال و ۲۰ شبکه رادیویی افام سیگنال پخش می‌کنند و نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت ایران را تحت پوشش خدمات خود قرار می‌دهند.

وی افزود: از لحظه اعلام خبر شهادت رئیس‌جمهور دولت سیزدهم در اردیبهشت سال ۱۴۰۳ و برگزاری انتخابات زودهنگام، عملیات وعده صادق، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، قطع اینترنت ملی در دی‌ماه سال ۱۴۰۴ و وابستگی کامل اطلاع‌رسانی به مردم از طریق ایستگاه‌های صداوسیما، اعلام خبر شهادت رهبر انقلاب، جنگ تحمیلی سوم، شروع حملات روزانه به تأسیسات و زیرساخت‌های فنی سازمان ... و همه نگاه‌ها به سیگنال دریافتی از سازمان صداوسیما معطوف بود و این وظیفه همکاران من در تهران و مراکز استان‌ها را سنگین‌تر می‌کرد. تلاش‌های شبانه‌روزی آنها برای پایدار نگه داشتن ایستگاه‌ها به هیچ‌عنوان قطع‌نشدن و نهایتاً معجزه‌ای که اتفاق افتاد در یک جمله خلاصه می‌شود: همکاران بی‌دفاع من با یک جعبه‌ابزار ساده و البته به همراه غیرت‌شان مقابل جنگنده‌های پیشرفته دشمن آمریکایی - صهیونی ایستادند و نگذاشتند حتی یک سیگنال قطع شود و تصویری سیاه یا صدایی خاموش بماند.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

چه کسانی از تضعیف رسانه ملی سود می‌برند؟

صداوسیما زیر آتش حاشیه‌ها



رسانه‌ای آن است.

البته تکذیب یک ادعا به‌تنهایی جای بررسی همه ابعاد ماجرا را نمی‌گیرد و درباره صحت نهایی موضوع باید بر شواهد و مستندات تکیه کرد. اما اصل روشن است: آبروی افراد نباید هزینه اظهارنظرهای بدون پشتوانه شود. اگر ادعایی مطرح می‌شود، گوینده و رسانه بازنشرکننده باید درباره مبنای آن پاسخگو باشند.

چرا باید میان خبر و برداشت تفاوت گذاشت؟

نمونه دیگر، نوشته مجتبی زارعی عضو کمیسیون امنیت ملی